

# نوشته ها و منابع مکتوب مطالعه و شناخت بهدینی

## به خامه روانشاد استاد مری بویس

### برگردان آزاد از انگلیسی به پارسی از بهدین فریدون راستی

در نوشتار پیش رو، روانشاد بانو مری بویس خاورشناس و متخصص مطالعات زرتشتی به واکاوی منابع مکتوب و نوشته های موجود به منظور رهیافت به درونمایه راستین دین بهی می پردازد.

#### 1) نوشته های دینی :

##### اوستا :

منبع اصلی شناخت آموزه های اشوزرتشت در جُنْگی مقدسی که به اوستا (به معنی احتمالی دستورات اشوزرتشت) نامور می باشد، گردآوری شده اند. از نگاه زبان شناسی متون اوستایی به دو گویش وابسته به بخش خاوری مجموعه زبان های ایرانی تقسیم می شوند که این دو گویش تشکیل دهنده اوستا عبارتند از اوستایی کهن (یا اوستایی گائیک) و اوستایی جوان تر. اوستایی گائیک به زبان ریگ ودای هندوان نزدیک است و دیرینگی آن به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح می رسد. شوند (علت) نامگذاری این بخش از نوشته های اوستایی به نام اوستایی گائیک، ریشه در مهمترین نوشته موجود به این گویش یعنی هفده سروده نامور به گائاهای که از خود پیامبر می باشند، دارد. علیرغم اینکه تنها این بخش از اوستا (گائاهای) مستقیماً به اشوزرتشت منسوب می باشد، بر طبق سنت مرسوم، همه اوستا برگرفته از آموزه های اشوزرتشت پنداشته می شود و بر همین اساس، محتوا و مضمون بخش بزرگی از اوستای جوان حکایت از آن دارد که این متون مستقیماً از جانب خداوند بر اشوزرتشت آشکار شده اند. در زمان زندگی اشوزرتشت، ایرانیان پیوند زیادی با آثار مکتوب نداشتند و حتی سده ها پس از آن نیز هنر کتابت نزد ایرانیان تنها جنبه غیر دینی داشت، از این رو تمامی آثار دینی ایرانیان به گونه شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد و تنها از حدود سده پنجم پس از میلاد، کتابت آثار دینی به دین دبیره (خط اوستایی) که ویژه نوشته های دینی بود، آغاز گردید. کهنترین نسخه دست نویس موجود به دین دبیره به سال 1323 میلادی بر می گردد.

##### گائاهای:

واژه « گائاهای » که در زبان سانسکریت نیز وجود دارد معمولاً به سروده و چکامه (شعر) برگردان (ترجمه) می شود. گائاهای اشوزرتشت، سروده های منظوم کوتاهی هستند که بیشتر در قالب سخنانی خطاب به اهورامزدا سروده شده اند و دربردارنده بینش و الهاماتی از جانب خداوند پیرامون سرنوشت جهان، چپستی و چرایی آفرینش و فرجام روان آدمی در این جهان و سرای دیگر می باشند. این سروده های منظوم (گائاهای اشوزرتشت) دربردارنده احساسات و ایمانی پرشور همراه با معانی و اشارات بسیار عمیق و ظریف عرفانی می باشند. نظر به ساختار گائاهای، به نظر می رسد که این سروده ها به یک سنت کهن و عالمانه سروده های دینی تنظیم شده توسط موبدان بینشور که از راه کنکاش و تعمق و اندیشه ژرف و آرام در پی شناخت خداوند و دستیابی به وحدت و یگانگی کامل با ذات خداوندی بوده اند، تعلق داشته باشند. با این حال گائاهای تنها نمونه باقیمانده از این سنت در ایران می باشد و عدم وجود نمونه های ادبی مشابه از یک سوء و دیرینگی گائاهای از سوی دیگر فهم بسیاری از واژگان گائاهای و دستور زبان این سروده های شاعرانه را با پیچیدگی های بسیاری همراه می سازد. افزون بر این دشواری ها، ژرفای اندیشه و اصالت مفهومی گائاهای، ترجمه این سروده های شاعرانه را فوق العاده دشوار می سازد تا جایی که از میان سروده های گائاهای تنها فهمیدن چند بیت از کل آن به گونه کاملاً غیر مبهم و بدون کمک دیگر متون شدنی است هر چند کلید فهم و تفسیر گائاهای در اوستای جوان تر و زند پهلوی که به روشنی نمایانگر جهانبینی مورد اشاره گائاهای هستند، می باشد. از نگاه زبان شناسی، ریگ ودا کمک بزرگی در مطالعه زبان شناسی گائاهای فراهم میکند چرا که ریگ ودا به زبان بسیار نزدیکی به گائاهای سروده شده است و دارای دیرینگی قابل مقایسه ای با گائاهای می باشد. افزون بر این، سنت زنده دین به ویژه در زمینه پرستش و عبادت کمک بسیار گرانمایی در فهم گائاهای میکند.

##### بخش های گائاهایی یسنا :

یسنّا که به چم (معنی) ستایش و پرستش میباشد، گاتاها را در خود گنجانده است. یسنّا همواره در آیین های دینی به صورت روزانه خوانده می شده است. سروده های گاتاها به پنج بخش تقسیم می شوند و این دسته بندی پنج گانه گاتاها بر اساس وزن این سروده های مینوی میباشد. بخش های پنج گانه گاتاها در پیش و پس از « یسنّا هپتنگایتی » ( : هفت فصل) که به چم « ستایش هفت فصل » می باشد، گنجانده شده اند. در میان متون مقدس زرتشتی، گاتاها به عنوان والاترین مانتره ها ( : سخنان مقدس الهام شده) نقشی محوری را در آیین ها و مناسک دینی و نیایشی زرتشتی ایفا می کنند و از قدرت و تأثیرات مقدسی برخوردار می باشند. در پیش و پس از سرایش گاتاها، چهار نماز ارجمند و مختصر خوانده می شوند و از آنجایی که این چهار نماز دارای تقدس بالایی می باشند، همواره و به صورت روزانه توسط بهدینان خوانده میشوند.

### **بخش های وابسته به اوستای جوان تر در یسنّا :**

حجم سروده های آیینی گنجانده شده در « یسنّا » با گذر زمان رفته رفته گسترده تر شده و در نهایت به هفتاد و دو فصل رسیده است. با اینکه بیشتر بخش های یسنّا به زبان اوستایی جوان تر سروده شده است، محتوا و دیرینگی بخش های تشکیل دهنده آن متفاوت می باشد. متن های گاتاهایی در دل یسنّا نگهداری شده است و اکنون نیز گاتاها به نوبه خود و به برکت بخش های افزوده شده ی اوستای جوان تر مصون داشته شده اند.

### **یشت ها :**

یشت ها سروده های ویژه ایزدان زرتشتی (پرتوهای ذات اهورامزدا) می باشند. بخشی از متون تشکیل دهنده ی اوستای جوان تر برگرفته از یشت ها می باشد. برخی از یشت ها به « یشت های بزرگ» نامور می باشند که شوند این نامگذاری درازای این سروده ها و کیفیت شاعرانه و دیرینگی برخی از ابیات آنها که همچون برابر ریگ ودایی خویش از نگاه مفهومی به دوره هندوایرانی ( : دستکم دو هزار سال پیش از میلاد مسیح) بر می گردند، می باشد. علیرغم دیرینگی مفهومی بخش های کهن یشت ها، چنین سروده هایی به گویش اوستایی جوان تر سروده و باقی مانده اند چرا که تنها گاتاها از چنان تقدس والایی برخوردار بوده اند که به گونه دقیق و کامل در سنت شفاهی زرتشتی از بر می شدند. در کنار یشت های بزرگ، دیگر بخش های یشت ها که به زبان گفتاری نزدیک بوده اند و به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شدند، از تقدس کمتری برخوردار می باشند. بخش هایی از یشت های جوان تر از طریق از بر کردن، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شده اند و بخش های دیگر آن توسط نسل های نوین موبدان شاعر سروده و افزوده می گردیده است چرا که با گذر زمان، زبانی که یشت ها در آن سروده شده بودند، دگرگون می گشت و دیگر با زبان گفتاری یکسان نمی بود. از سوی دیگر شوند ( : دلیل ) افزودن تدریجی بخش هایی به یشت ها، هماهنگ سازی عناصر کهن موجود در این سروده ها با جهانبینی و آموزه های زرتشتی که در یشت ها با هم آمیخته اند، می باشد.

### **وندیداد :**

وندیداد مجموعه ای متشکل از متون منثور نگاشته شده به زبان اوستایی جوان تر می باشد. تاریخ احتمالی نگاشته شدن وندیداد به دوره اشکانی می رسد. بیشتر بخش های آن به آداب و قوانین طهارت و پاکی به عنوان وسیله ای برای مبارزه با نیروهای اهریمنی، اختصاص دارد و نام آن نیز که دگرگون شده واژه اوستایی « ویداؤداته » به چم « داد دیو ستیز » می باشد بر این جنبه تأکید دارد. در آغاز دوره اسلامی، وندیداد به عنوان بخشی از آیین شبانه یسنّا خوانی به طور کامل و با آوای بلند خوانده می شد. امروزه نیز تنها متن آیینی، که به گونه کامل از بر خوانده نمی شود، وندیداد می باشد.

### **ویسپرد :**

ویسپرد یک سروده دراز آیینی می باشد. ویسپرد دربردارنده اوستای جوان تر یسنّا به همراه وندیداد می باشد و بخش عمده آن را نیایش های افزوده شده تشکیل می دهد. « ویسپرد » به چم « ستایش همه ران » می باشد و در طی مراسم گهنبار و نوروز خوانده می شود.

### **پنج نیایش و پنج گاه :**

نیایش های پنج گانه (خورشید نیایش، مهر نیایش، ماه نیایش، آتش نیایش، آب نیایش) نمازهایی می باشند که به گونه منظم و به طور یکسان هم توسط موبدان و عوام خوانده می شوند. این نیایش ها برای گرامیداشت و خطاب به خورشید و میتره یا مهر ایزد (خورشید نیایش و مهر نیایش هر دو با هم روزی سه بار خوانده میشوند)، به ماه (سه بار در ماه)، به آب ها و آتش خوانده می شوند. این نیایش ها مرکب از بخش های گوناگونی میباشد و دربردارنده ابیاتی از گاتاها و یشت ها و همچنین اوستای جوان تر می باشند.

پنج گاه نیز متونی مشابه می باشد که به عنوان بخشی از نمازهای روزانه زرتشتیان در پنج بخش تشکیل دهنده شبانه روز خوانده می شوند و دربردارنده نیایش ها و ستایش های ویژه ایزدان نگهبان هر یک از این پنج گاه شبانه روز می باشند.

### **خرده اوستا :**

خرده اوستا مجموعه ای متشکل از نمازهای روزانه و متداول زرتشتی می باشد و دربرگیرنده پنج نیایش، پنج گاه، برخی از یشت ها به همراه برخی از نمازهای نگاشته شده به زبان پارسی میانه می باشد. نمازهای بایسته و بنیادین زرتشتی به گونه نامتغیر در تمامی خرده اوستاهای چاپ شده موجود می باشد ولی ترتیب گنجاندن نمازها و یشت های برگزیده شده برای گنجاندن در نسخه های گوناگون خرده اوستا یکسان نیست. برخی از نسخه های چاپ شده خرده اوستا دربردارنده چند نماز نگاشته شده به زبان پارسی و گجراتی در پایان کتاب می باشند. بهره گیری از خرده اوستا توسط عوام زرتشتی تنها از سده نوزدهم میلادی به بعد باب گشت (یعنی زمانی که برای نخستین بار متون مقدس چاپ شدند) چرا که پیش از آن، بهدینان نمازهای دینی را به طور کامل در خانواده از بر می کردند.

### **اوستای بزرگ :**

در دوران ساسانی، مجموعه ای از متون اوستایی، گردآوری و به بیست و یک نسک (کتاب) تقسیم گردید و این مجموعه بزرگ متون مقدس مکتوب در حدود سده سوم و چهارم میلادی گردآوری گردید. اوستای بزرگ افزون بر متون مذکور بالا، دربردارنده روایات و اسطوره زندگی پیامبر، شرح و تفسیر جهانبینی و آموزه های دینی، متون مربوط به رویدادهای آخر زمان، کتاب های حقوقی، آفرینش شناسی و فرزانش (فلسفه) دینی بوده است و گمان می رود که چندین نسخه از اوستای بزرگ در کتابخانه های آتشکده های بزرگ نگهداری می شده است که در دوره اسلامی و در پی چیرگی تازیان، ترکان و مغول ها تمامی آتشکده های بزرگ نابود گردیدند تا جایی که دیگر حتی یک نسخه از اوستای بزرگ باقی نماند و به دست ما نرسید. با این حال، چکیده کامل و دقیق مندرجات اوستای بزرگ به تفصیل در یک کتاب پهلوی نامور به « دینکرد » معرفی شده است و بنا بر داده های دینکرد، به نظر می رسد که متون اوستایی کنونی تنها یک چهارم از اوستای بزرگ را تشکیل می دهند و شوند نجات متون اوستایی موجود، کاربرد آیینی آنها در مناسک دینی و در نتیجه لزوم از بر کردن این متون و نسخه برداری شخصی از آنها توسط موبدان می باشد.

### **قطعات پراکنده اوستایی :**

برخی از قطعات پراکنده نوشته های اوستایی همچون بخش هایی از « هادخت نسک » که کاربردی آیینی داشته و همچنین « نیرنگستان » و « هیردستان » پیرامون آیین های ویژه موبدان بر جای مانده است.

### **زند پهلوی :**

« زند » به چم تفسیر می باشد و اشاره به تفسیر، شرح و ترجمه متون اوستایی دارد. در آغاز، زندی کهن به زبان اوستایی پیرامون متون اوستایی وجود داشت و شرح ها و تفسیر های این زند کهن در خود متن اوستایی نوشته های دینی نیز گنجانده شده است و قابل ردیابی می باشد. همچنین تا سده چهارم میلادی زند های گوناگونی به زبان های مختلف مردمان ایرانی نگاشته می شده است. از آنجایی که زبان رسمی واپسین سلسله زرتشتی (ساسانیان) که بر ایران فرمانروایی می کرد، زبان پهلوی (پارسی میانه) بود، تنها زندی که به طور کامل باقی مانده است، زند پهلوی می باشد و به عنوان زند اوستا شناخته می شود. دستور زبان پارسی میانه بسیار ساده می باشد و این سادگی دستور زبان، خود عامل ایجاد ابهام در فهم نوشته های پهلوی می باشد. افزون بر این، خط پهلوی پیچیدگی های منحصر به خود را دارد (همچون شمار اندک حروف و وجود هُزوارش ها) و همه این عوامل دست به دست هم داده اند و کار بر روی متون میانه را دچار دشواری های ویژه ای می گردانند.

### **زند متون اوستایی موجود :**

تقریباً زند تمامی بخش های اوستای کنونی، به غیر از یشت ها موجود می باشد و در بعضی جاها زند اوستا در کنار خود متن اصلی اوستایی گنجانده شده است. نخستین بار پژوهشگران غربی از عبارت « زند اوستا » برای اشاره به متون مقدس دین زرتشتی و زبانی که این نوشته ها بدان نگاشته شده اند، بهره بردند. موبدان نگارنده زند، برای تفسیر اوستا نخست تا جای ممکن متن اوستایی را به صورت واژه به واژه به زبان پارسی میانه ترجمه می کرده و سپس گزارش و تفسیر های گوناگون را بر آن می افزودند.

### **زند متون اوستایی از میان رفته :**

برخی از نسک های مهم پهلوی دربردارنده بخش عمده و یا گزیده هایی از زند نوشته های اوستایی از میان رفته می باشند. تطبیق و مقایسه زند مربوط به نوشته های اوستایی از میان رفته با زند مربوط به نوشته های اوستایی موجود امکان رهیافت به درونمایه بخش های گمشده اوستا را فراهم می سازد. در میان نسک های پهلوی دربردارنده زند نوشته های اوستایی از میان رفته می توان از « بندهشن » نام برد. بندهشن که به چم آفرینش می باشد، تنها به موضوع آفرینش بسنده نمی کند و به واکاوی طبیعت موجودات آفریده اورمزد و همچنین فرجام شناسی می پردازد. نسخه های موجود در بندهشن به دو دسته تقسیم می شوند؛ از یک سو گزارش نامور به بندهش ایرانی یا بندهش بزرگ تر (به شوند حجم بیشتر) و از سوی دیگر بندهشن هندی. « ویزدگی ها » یا گزیده های زند توسط زادسپَرَم موبد بزرگ سده نهم میلادی گردآوری شده است و آگاهی هایی برگرفته از نسک های گمشده اوستا پیرامون زندگی پیامبر ارائه می دهد. جزئیات بیشتری پیرامون زندگی پیامبر در دینکرد موجود می باشد که این جزئیات نیز برگرفته از زند می باشد. « دینکرد » ( به چم کرده ی دین ) یک مجموعه بسیار بزرگ می باشد که آگاهی های متنوعی را ارائه می دهد. تاریخ گردآوری آن به سده نهم و دهم میلادی بر می گردد. در این دوره (سده نهم و دهم میلادی) موبدان در مقابله با تهدید بر آمده از اسلام فعالیت ادبی و دینی قابل توجه ای داشته اند، هر چند درون مایه آثار گردآوری شده در این دوره بسیار کهن می باشد.

### **دیگر آثار پهلوی بدون امضاء :**

بسیاری از نوشته ها و ادبیات پهلوی در اصل به سنت شفاهی وابسته بوده اند و از سنت شفاهی به کتابت درآمده اند و نشانه ها و ویژگی های سنت شفاهی در نوشته های مذکور قایل ردیابی می باشد. درست به همین دلیل است که بیشتر نوشته های پهلوی، بدون نام و امضاء گردآورنده میباشند و چندین نویسنده آزادانه و با دخالت دادن سلیقه و آراء شخصی در نگارش یک اثر مشارکت می کردند.

### **متون پهلوی امضاء دار :**

برخی از نوشته های پهلوی که توسط شخصیت های نامدار بین سده ششم تا سده دهم میلادی نگاشته شده اند، از گرند روزگار در امان مانده و به دست ما رسیده اند. تمامی این متون توسط موبدان نسخه برداری گردیده و به نوعی به دین بهی مرتبط می باشند.

### **آثار و نوشته های زرتشتی به زبان پارسی :**

از سده دهم به بعد، سنت نگارش به پهلوی حتی در نزد بهدینان نیز منسوخ گردید و از آن پس نگارش تمامی آثار و نوشته ها به زبان پارسی نوین و دبیره عربی همراه با بهره گیری از بسیاری از واژه های تازی باب گردید. به شوند آزار و ستم های روا داشته شده بر بهدینان، رفته رفته جامعه زرتشتی به اقلیتی فقیر و منزوی که همه توان خود را معطوف به بقای خود و زنده نگه داشتن هسته اصلی آموزه های دینی می کرد، تبدیل گردید. از این رو آثار و نوشته های زرتشتی نگاشته شده به زبان پارسی اعم از آثار منظوم و منثور، بیش از هر چیز برگردان دگرباره نوشته های کهن تر می باشند.

### **آثار و نوشته های سانسکریت، گجراتی کهن و پازند :**

در سده نهم میلادی، گروهی از بهدینان به منظور بدست آوردن آزادی دینی، از ایران به گجرات واقع در غرب هندوستان مهاجرت کردند و در آنجا به عنوان « پارسی » نامور شدند. پارسیان زبان گجراتی را به عنوان زبان مادری خویشان آموختند و در اواخر سده یازدهم و اوائل سده دوازدهم میلادی برخی از موبدان دانشمند « پارسی »، برگردان نوشته های اوستایی از زند پهلوی به سانسکریت و گجراتی کهن را آغاز کردند. برخی دیگر از نوشته های پهلوی را نیز یا ترجمه کرده و یا به دبیره اوستایی که واضح تر از دبیره پهلوی می باشد، آوانویسی و نسخه برداری کردند. ترجمه این نوشته ها معمولاً با نوعی تفسیر همراه می بود و تفسیر مربوطه به « پازند » نامور می باشد. متون پازند که آوانگاری شده نیز می باشند، بیانگر تلفظی متاخرتر و معمولاً مخدوش شده از پارسی میانه می باشند، از این رو مشکلات ویژه خود را در بر دارند.

### **روایات پارسی :**

در میان سده های پانزدهم تا هجدهم میلادی، موبدان ایرانی و پارسی به گونه پراکنده پیرامون آداب و امور دینی با یکدیگر مکاتبه و نامه نگاری می کردند. پاسخ های موبدان ایرانی به پرسش های موبدان پارسی در کتابی نامور به « روایات پارسی » حفظ شده اند و دربردارنده آگاهی های ارزشمندی پیرامون زندگی دینی جامعه زرتشتی به ویژه در زمینه آداب و قوانین مهم طهارت و پاکی، می باشند.

### **ادبیات معاصر :**

از میانه سده نوزدهم میلادی و همزمان با رونق چشمگیر جامعه پارسیان هند، ادبیات گجراتی و انگلیسی جامعه «پارسی» پیرامون آموزه‌ها و جهانبینی زرتشتی و آداب و آیین‌های دینی به گونه قابل ملاحظه‌ای رشد می‌کند. تا این دوره سنت زرتشتی بسیار ملاحظه‌کار و راست‌آیین (اُرتُکُس) می‌بود، ولی برخورد و رویارویی با دنیای مدرن و تجددگرایی شوک روانی و احساسی سهمگینی بر جامعه سنتی وارد کرد و بسیاری از پیروان وفادار جامعه سنتی سردرگم و مشوش گردیده و در پی یافتن تفسیری شتابزده از آموزه‌ها و آیین‌های کهن برآمدند و از این دوره به بعد، بسیاری از آثار و نوشته‌های پارسیان باورمند به دین زرتشتی به گونه ناخودآگاه تحت تأثیر آموزه‌های مسیحی، هندو و تئوزوفیک می‌باشد و برخی از بهدینان اصلاح طلب تنها به نوعی خداآوری عاری از پیروی از مذهبی خاص و بدور از برگزاری هرگونه آداب و آیینی خاص گرایش پیدا کردند. در سده بیستم میلادی، بخش کوچکتری از ادبیات معاصر زرتشتی توسط موبدان ایرانی به زبان پارسی نوشته شده است که در این نوشته‌ها نیز تأثیر ناخودآگاه اندیشه اسلامی کاملاً مشهود است. در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، موبدان پارسی آغاز به گزارش دقیق همراه با شرح جزئیات آداب و آیین‌های دینی به زبان گجراتی و انگلیسی کردند و از آنجایی که نوشته‌های آیینی پهلوی بسیار فنی و موجز می‌باشند و فهمیدن آنان به آسانی شدنی نیست، این نوشته‌های متاخرتر کمک بسیار بزرگی در فهم آداب و آیین‌های مرتبط با نیایش زرتشتی می‌کنند و از این رو بسیار ارزشمند می‌باشند به ویژه که پارسیان هند به غیر بهدینان پروانه‌باشندگی در مکان‌های مقدسشان را نمی‌دهند.

## **2) گزارش‌های غیر دینی :**

### **گزارش‌های مربوط به دوره هخامنشی (550 تا 330 پیش از میلاد):**

در حدود انتهای هزاره دوم پیش از میلاد، اقوام و طایفه‌های ایرانی به سوی استپ‌های جنوبی مهاجرت کرده و رفته رفته سرزمینی که امروزه ایران نامیده می‌شود را در نور دیده و در آن ساکن شدند. مردمان خاوری ایرانزمین دین زرتشتی را عرضه کرده و به احتمال زیاد مردمان باختری ایرانزمین یعنی مادها و پارس‌ها نیز، این دین را برای خود برگزیدند و این گونه، دین زرتشتی، دین هخامنشیان پارسی تبار که پایه‌گذار بزرگترین امپراطوری دنیای باستان بودند، گردید و اشارات فراوانی مبنی بر باور هخامنشیان به دین زرتشتی در سنگ‌نبشته‌های هخامنشی وجود دارد. با این حال، اوستا و زبان اوستایی عمدتاً به زبان و گویش خاوری ایران وابسته می‌باشد و در آن هیچ اشاره‌ای به هخامنشیان و دیگر ایرانیان باختری نیست هر چند مغان مادی-پارسی شناخته شده‌ترین روحانیون زرتشتی می‌باشند. افزون بر این، اشارات متعددی به «دین پارسها» در آثار نویسندگان یونانی دوره هخامنشی و همچنین دوره پس از تسخیر امپراطوری هخامنشی توسط اسکندر موجود می‌باشد و به نظر می‌رسد که این تسخیر که با کشتار گسترده موبدان همراه بوده است، مانع بزرگی برای انتقال نوشته‌های اوستایی به نسل‌های بعدی ایجاد کرده باشد.

### **گزارش‌های مربوط به دوره اشکانی (141 پیش از میلاد تا 224 میلادی) :**

اشکانیان که از تبار پارت‌ها و از شمال شرق ایران بودند، پایه‌گذار دومین امپراطوری ایرانی بودند. گزارش‌های محدود دوره اشکانی، نمایانگر باور زرتشتی آنان می‌باشد. همچنین نوشته‌های یونانی و لاتین آن دوره بر پیروی اشکانیان از دین زرتشتی حکایت دارند و رد پای باور زرتشتی در ادبیات پهلوی اشکانی به چشم می‌خورد. یک داستان عاشقانه درباری دوره اشکانی نامور به «ویس و رامین» اشارات جالبی به باورهای زرتشتی را در بر دارد.

### **گزارش‌های مربوط به دوره ساسانی (224 تا 651 میلادی) :**

آگاهی از دین زرتشتی به عنوان دین رسمی در دوران دومین امپراطوری پارسی یعنی امپراطوری ساسانی بسیار کامل‌تر و روشن‌تر می‌باشد. نخستین شهریاران ساسانی و موبد بزرگ هم‌دوره آنان، کرتیر، چندین سنگ‌نبشته از خود بر جای گذاشته‌اند و در سده پنجم میلادی موبدان پارسی تبار گردآوری یک رویدادشمار گسترده نامور به «خداپنامه» (به پارسی میانه : «خودای نامگ» به چم شاه‌نامه) را آغاز کردند و در آن پیوندی مصنوعی میان ویشتاسپ (گشتاسب)، پادشاه دوره اشوزرتشت و سلسله ساسانی برقرار کردند. از این رویدادشمار تنها بخش‌هایی ترجمه شده به زبان عربی و روایت حماسی آن که توسط فردوسی در حدود سال 1000 میلادی گردآوری شده است، موجود می‌باشد و متن پهلوی و اصل آن از میان رفته است. بسیاری دیگر از آثار ساسانی که در بردارنده اشاراتی به دین زرتشتی نیز می‌باشند، از میان رفته‌اند و تنها رد پای پراکنده‌ای از آنان را می‌توان در برگردان‌های عربی و پارسی نو دید.

### **گزارش‌های نویسندگان مسلمان :**

پس از شکست و سقوط ساسانیان بدست عرب های مسلمان، برخی از گزارش های مربوط به زرتشتیان در آثار و نوشته های تاریخ نگارن و جغرافی شناسان مسلمان پدیدار می شود. این اشارات به ویژه در سده نهم و دهم میلادی بیشتر می باشند و با حمله مغول به ایران در سده سیزدهم متوقف می شوند چرا که از آن پس شمار زرتشتیان ایران بسیار ناچیز می گردد و موقعیت اجتماعی آنها نیز به شدت سقوط می کند.

### **گزارش های پارسی متاخر :**

در سال 1599 میلادی، یک موبد پارسی سرایش شعری که به « قصه سنجان » نامور می باشد را به اتمام رساند. « قصه سنجان » برای گرامیداشت داستان کهن ترین آتش مقدس پارسیان و بر اساس روایات سنت شفاهی پارسیان هند سروده شده است. از این زمان به بعد، گزارش های گوناگون پارسیان با مضامین متنوع (همچون سنگ نبشته ها، استاد رسمی، تبارنامه ها و غیره) به تدریج افزایش یافت.

### **گزارش های تاجران و جهانگردان اروپایی :**

در سده های هفدهم و هجدهم میلادی، تاجران و جهانگردان اروپایی با زرتشتیان ایران و هندوستان برخورد کردند و درباره آنها گزارش هایی نوشتند.

### **نوشته های معاصر پارسیان و اروپائیان :**

در سده نوزدهم، در میان عوام جامعه پارسیان هند برخی از بهدینان به انتشار باورهای سنتی و آداب و رسوم آیینی همکیشان خود پرداختند و در سده های نوزدهم و بیستم پژوهشگران اروپایی همین کار را درباره هر یک از جوامع اقلیت های دینی ایران انجام دادند. این گزارش ها امکان مقایسه باور سنتی، آنگونه که از روزگار کهن تا به دوره کنونی به ارث رسیده است با گوناگونی رو به رشد باورها و آداب آیینی که از سده نوزدهم به بعد باب شده است را می دهد.